

به نام یگانه معمار هستی بخش

نام مقاله: حقیقت سبک معماری اسم

مولف: مهندس مهدی عامری فرد

سرمقاله (چکیده)

معماری ظرف زندگی است و به عبارتی هنری از جنس زندگی و در متن آن معماری از مهم ترین و تاثیرگذار ترین هنرهای جهان خصوصاً در دیدگاه شرقی است و همواره در تعامل با مفهوم هویت می باشد، از آن زمان که انسان احساس کرد باید به کیستی و چیستی خود در برابر طبیعت و ماورای طبیعت پاسخ گوید، هویت متولد شد. رنگ باختن مفهوم هویت دردی است که معماری بدان گرفتار است. فرم هایی که در پی تکرار و تقلید شکل می گیرند، معماری را گرفتار دور باطلی کرده که رهایی از آن، نیازمند تفکری عمیق در چرایی رسیدن به این نقطه و جست و جو برای یافتن راه حلی عملی است.

دستیابی به معماری با هویت، موضوعی بسیار پر اهمیت در معماری معاصر است. تلاش در این راستا برای حرکت به سوی معماری با هویت در معماری و شهرسازی، پاسخی به نیازهای معنوی انسان ها، در کنار تمامی نیازهای مادی ایشان است. در این مقاله بررسی نسبت میان هویت، فرهنگ و معماری مقدمه ای بر حقیقت این گرایش که هدف آن هویت بخشی به معماری است، خواهد بود.

۲- درآمدی بر گرایش معماری اسم

این گرایش، به سادگی، با الهام از رویکرد طراحی اش، نام "اسم" را به خود گرفته است. تا اشاره ای داشته باشد به منشا خلق اثر و روند طراحی آن.

پدیده های معماری نه تنها در متن و زمینه های فرهنگی خودشان، بلکه به زمینه های تاریخی نیز تعمیم پیدا می کنند، بر این اساس اشکال معماری در هر دوره، سبک مربوط به آن زمان را به وجود می آورند و فرم ها برخاسته از مفاهیم محتوایی آن دوره می باشند. به بیان دیگر این گرایش در ایجاد فرم ها، شیوه ای خاص را دنبال می کند که تعامل بین مبانی نظری و محتوایی طرح فضای معماری می باشد.

یکی از دلایلی که باعث شده است معماری در یافتن هویت خود سردرگم باشد این است که اکنون اندیشه ی بانی این معماری بدون هویت چندان روشن نیست و شرایط امروز با گذشته متفاوت است. در آن دوران تفکر فلسفی معینی حاکم بود ولی امروزه در حوزه اندیشه با لاتکلیفی هویت مواجه ایم. البته باید توجه داشت که انعکاس آینه وار و تقلید صرف آثار گذشته معماری بدون توجه به ریشه ها و کاربردهای خصوصیات فضایی و کالبد آن امری بی ثمر و حتی گاهی مخرب خواهد بود. بدیهی است در ادامه باید معنا و اهمیت هویت و عوامل شکل دهنده هویت معماری را مرور نماییم.

هویت، واژه ای بسیار ساده اما با مفهومی بسیار پیچیده است. با ورود عناصر فرهنگی دیگر کشورها، فرهنگ و در پی آن هویت نیز دستخوش تغییراتی شده است؛ از این رو امروزه بحث درباره هویت و فرهنگ در شاخه های مختلف علمی مورد توجه قرار گرفته است.

معماری به رغم تفاوت های سرزمینی که در شکل آن تاثیر فراوانی داشته، دارای ویژگی های ذاتی، پویا و تدریجی است، که آنرا هویت می نامند. واژه شناسی هویت، ما را به انسان، معماری و مولفه های تمیزدهنده ی آن میرساند. کلیتی که قبلاً از دیدگاه ملک الشعرای بهار با نام سبک به جهان درون و برون انسان تقسیم میشد؛ ولی معنای آن در سده های اخیر با

تحول ایجاد شده در عالم و آدم، با مد معماری جایگزین و در دایره ی سلاقی گذرای معماران محبوس و از معنای قدیمی خود فرسنگها فاصله گرفته است از آنجایی که انسان، زمان و مکان یک هستی را رقم می زنند، لذا هویتشان در هم آمیخته می گردد^۱.

مولفه های تمیزدهنده ی معماری شامل انسان و باورهایش، مکان و زمان می باشند. در معماری، از کاخ های ساسانی تا اموی، از مدارس عثمانی تا سلجوقی و کاروانسراهای عباسی و حتی در جزئیات معماری از نقش یک مقرنس تا رنگ شیشه ی ارسی و کوبه ی در، همگی واجد یک ویژگی است که می توان آن را حال و هوا نامید. این ویژگی که بخش ذاتی چستی و کیستی محل می باشد، جایگاه معماری را در بیان هویت جامعه تا آنجا می رساند که «معماری به مثابه هویت» امروزه به عنوان یکی از شاخه های اصلی بحث هویت مطرح شده است.

با توجه به مبانی که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد سعی بر آن شده تا در این گرایش روند طراحی با هویتی ویژه آغاز شود، بدین گونه که شروع طراحی هر اثر، با نام گذاری آن است. به این ترتیب، طراحی، با الهام از این "نام" کلید می خورد. ایده های طراحی با نگاه به نام پروژه، مفهومی که در آن نهفته، مبانی نظری، ویژگی های اقلیمی محیطی، در نظر گرفتن نیازهای حال و آینده و شکل می گیرد و نمود آن ها، در ترکیبی از علم و دانش و هنر معماری در طرح تجلی می یابد. اگر به معماری به عنوان یک اثر هنری نگاه کنیم و انسان را خالق اثر هنری در نظر بگیریم از آن جهت که انسان مدعی است که می تواند حقیقت هستی را کشف کند و آن را در اثر هنری متجلی سازد و به بیان آورد و اثر هنری حاصل فهم انسان و تجلی حقیقت کشف شده از سوی اوست، می توان به بحث هویت در معماری پرداخت. معمولاً هویت یک اثر معماری را با میزان ایده ها و اثرات برگرفته از ویژگی های فرهنگی موجود در آن اثر می سنجند. این روش با آنکه از یک صحت نسبی برخوردار است اما در جاهایی ناکافی و گمراه کننده نیز می شود. هرگاه برای بررسی هویت آثار معماری در کنار توقع در برداشتن میراث محیطی فرهنگی، موضوع کارکرد آنها را نیز مد نظر قرار دهیم، بهتر خواهیم توانست به ارزیابی مسئله بپردازیم و آن گاه می توانیم حتی آثاری را با هویت بیابیم که مستقل از میراث محیطی و فرهنگی مکان آن آثار باشد. از این رو عوامل دیگری نیز باید در تکوین هویت معماری مداخله داشته باشد تا فقدان چنان مهمی نتواند مهر بی هویتی بر موجودیت اثر معماری زند. این عوامل همان هایی هستند که تمام آثار والای معماری چه آنها که از پیشینیان بر جای مانده و چه آنها که معاصرند و چه آنهایی که با گذشته پیوند دارند و چه آنهایی که فن آوری را همچون نمودی از دنیای امروز و فردا ارائه می کنند به یک اندازه از آنها برخوردارند و عبارت اند از: زیبایی، دانش، اصالت طرح، جوهر طرح.^۲ گاه هنرمند برای هویت بخشیدن به اثر هنری خود، از الگوهای اصیل گذشته بهره می برد. با این گسترش، مفهوم سبک که در آغاز برای تحلیل تاریخ هنر و تعیین هویت اثر هنری به کار گرفته شده بود، نقشی فعال در آفرینش اثر هنری بر عهده می گیرد.^۳

امروزه شیوه های مختلفی برای هویت سازی در اثر معماری کاربرد دارد. یکی از آنها که برای ساختن معماری به اصطلاح با هویت بسیار به کار می رود، شیوه تکرار الگوهای گذشته است، اما این که آیا این روش برای ایجاد معماری با هویت مناسب است یا خیر در این نوشتار نمی گنجد. شیوه دیگری که در هویت سازی اثر معماری کاربرد دارد استفاده از نمادهاست. مردم هر فرهنگی با توجه به گذشته و تاریخ خود، نمادها و سمبل های گاه هویت سازی دارند.^۴ که از جمله این نمادها می توان به نمادهای ملی و دینی اشاره کرد. برخی از نظریه پردازان ساختن را تنها در اشغال فضا نمی بینند در این بین چیزی که بیش از همه اهمیت دارد افشای روح مکان و برقراری ارتباطی عمیق بین زمین، بافت سازه و آسمان است. شکل و فضای طبیعت به صورت ارتباطی خاص بین زمین و آسمان، به هویت مکان قطعیت می بخشد. در معماری تزئینی هر نقش دارای ارزش ها ی بسیاری از جمله ارزش برگرفته از عقاید مردم جامعه است. معمار با این تزئینات آرمان ها ی جامعه را در بنا به ظهور می رساند و به گونه ای از هویت سازی در معماری می رسد. امروزه تعبیر مختلفی در مورد هویت معماری، وابسته به دیدگاه های متفاوت انسان مولف و بهره بردار از آن وجود دارد که به خلاصه ای از آن می پردازیم:

واژه شناسی هویت

در ادبیات عرفانی ایران، هویت به ذات مطلق خداوند اطلاق می شود. لذا معنی وجود و هستی را برمی آورد. ملاصدرا که همه موجودات را ممکن الوجود و نسبی میداند، هویت را «هویت ساریه» و به معنای فیض رسان به دایره ی ممکنات دانسته است.

در مقدمه فصوص الحکم، هویت نیز چنین تعریف شده: «آنچه را شیئیت شیئی به آن است به اعتبار تحقق، حقیقت گویند؛ و به اعتبار تشخص، هویت گویند.

در این معنا، ذات مقدس خداوند بدنبال تجلی و هویت بخشی بر دایره ممکنات و خارج شدن آنها از کتیم عدم منشاء هستی و هویت بخشی به موجودات و انسان بوده و هر موجودی به مقتضای ذات و استعداد و قابلیت خویش پذیرای ظهور حق می گردد. در فرهنگ عمید از هویت به عنوان «مشمول بر صفات جوهری» یاد میکند و فرهنگ معین «آنچه را که موجب شناسایی شخص یا شیئی باشد» را به عنوان تعریف هویت ذکر میکند. واژه نامه آکسفورد هویت را کیستی و چیستی شخص می داند. ریشه لاتین لغت هویت که «ایدنیتاس» میباشد و از دو بخش «ایدم» به معنای همان و «انتیتاس» به معنای وجود و در مجموع به معنای «همان موجود بودن» است، دومعنای ظاهراً متفاوت همسانی و تمایز را دارد؛ که این دو جنبه از هویت مکمل مفهوم آن هستند. پس هویت معطوف به شناخت مرز خود از دیگری است و به زندگی معنا می بخشد در روزگاری هویت با این معنا «سبک» نامیده شده است. آنجا که رایت آن را چیزی میدانست که به واسطه اش، هر موجودی به سبب داشتن آن از باقی متمایز می شود.

مفهوم هویت

اریکسون (جامعه شناس) مفهوم هویت را فائل به دو بخش می داند؛ اول یکی شدن با خود و دیگری مشارکت با دیگران در بعضی از اجزای ذاتی. او فرآیند هویت را یک سیستم کنترل میداند که مجموعه ای از هنجارها و ناهنجارها را در فرد به وجود می آورد. استوارت هال «نیز هویت را یک روند در حال شدن می داند که یک شناسنامه و عامل شناخته شدن است. همچنین به نظر» چارلز جنکز «هویت به خودی خود دم دست نیست بلکه همواره باید تثبیت شود. هویت طبقه بندی اشیاء و افراد و مرتبط ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر مثلاً یک دوست، یک قهرمان، یک حزب، ... است. احمد اشرف از جمله صاحب نظران اسلامی هویت را به معنای هستی و وجود می داند، چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد، یعنی مجموعه ویژگی های فردی و خصوصیات رفتاری که از روی آن فرد به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته شود و از دیگران متمایز شود و صاحب نظر اسلامی دیگر «صدرالمآلهین شیرازی» هویت هر موجودی را نحوه خاص وجود او می داند و می گوید در انسان هویت واحده است که متشأن به شئون مختلف می شود. افراد انسانی را مشخصاتی است که به واسطه آن هریک از دیگری متمایزند و تا آخر عمر وحدت شخصیت در آنها باقی است و به آن هویت گویند. پس هر فردی، هر اثری دارای هویتی است.

هویت به دو دسته فردی و جمعی تقسیم می شود. هویت فردی، مربوط به احساس فرد به خود و تمایزاتی است با مؤلفه هایی مثل اسم، ملیت، قومیت و یا تمایلات شخصی، فکری، ارزشی یا جهان بینی، او را از دیگری متمایز می کند و هویت جمعی، به احساس مشترک یک جمع مثل گروه های کوچک و بزرگ اجتماعی و ... باز می گردد. وجود منابع مشترک، همه افراد دارای هویت مشترک را به هم وصل می کند. اما هویت ملی گونه ای از هویت جمعی است که امروزه در آغاز هزاره سوم میلادی، به یکی از چارچوب های وحدت بخش در مباحث علوم اجتماعی تبدیل شده است؛ ... بدین معنا که انواع دیگر هویت ها، در چارچوب هویت ملی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند. برای مثال هویت فردی، پدیده ای است که کاملاً تحت تأثیر و نفوذ هویت ملی قرار دارد. جامعه شناسان هویت ملی را نوعی احساس خود بودن جمعی دانسته اند؛ یعنی با دیگران تفاوت داشتن و در عین پیوند یا حتی آمیختگی، جدایی و فاصله را نگه داشتن است^۵. به بیان دیگر نوعی احساس تعهد و تعلق نسبت به مجموعه ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام می شود.^۶

آنچه که در گرایش معماری اسم مهم بشمار می رود، نسبتی است که اثر معماری با واژه ی فرم گرایی و مفهوم گرایی برقرار می کند در رویکرد فرم گرا، بیان نمادین شکل های معماری اهمیت دارد و در ایده های مفهوم گرا، بیشتر، فضای معماری و اصول حاکم بر معماری مورد توجه بوده است. با این وجود مفهوم "شکل و فرم در معماری اسم" بحثی وسیع و حائز اهمیت است که به دو دلیل می تواند مهم تلقی شود، نخست آنکه هر تصور و تخیلی در معماری نمی تواند بی استناد به شکل تحقق پذیرد و دوم آنکه شکل ظاهری و کالبدی هر بنا مهمترین و بی واسطه ترین موضوعی است که بیننده می تواند از آن برداشت های متفاوتی داشته باشد. شکل و فرم در این گرایش رمز راه یابی به فرهنگی است که معمار به آن توجه داشته است و فضای معماری در این سبک برگرفته از مفهوم اثر می باشد که با گذر از تدبیرها، فن ها و ابداعات نو موجب تولد پدیده ای خواهد شد که سخنی فراتر از شکل است.

مولفه های موثر در هویت

چنانکه از واژه شناسی هویت برآمد، انسان مولف و شناسنده ی معماری و مولفه های تمیزدهنده ی بنا، در تبیین هویت معماری موثر میباشند. بنابر نظر اندیشمندان، زمان و مکان ظرف حاوی محتوای عالم پدیدار می باشند و فعالیت های انسانی از جمله معماری او -در طول زمان و در مکان معنا می یابند پس به عنوان مولفه های موثر و تمیز دهنده ی معماری مورد مذاقه قرار می گیرند.

یکی دیگر از مسائلی که بر تبیین هویت تاثیر مهمی دارد، انسان، باورهایش و میزان شناخت و آگاهی او، هم در مقام طراح و مولف و هم در جایگاه به ره بردار و شناسنده ی معماری است. بخش دیگر تاثیر انسان در مقوله ی هویت، به او به عنوان شناسنده ی بنا مربوط می شود. ویژگی های موجود در یک پدیده یا یک بنای معماری، برای همه افراد به یک اندازه قابل شناخت و دریافت نمی باشند. میزان شناخت و اشراف بینندگان و بهره وران از آن پدیده، در درک و دریافت ویژگی های آن موثر است.

زمان نیز مؤلفه بسیار اساسی اما خارج از کنترل انسان است از این رو اگر در جستجوی هویت در معماری امروز هستیم می بایست آن را در ارتباط با زمان حاضر بسنجیم

ملاصدرا نیز زمان را مقدار حرکت در جوهر می دانست^۷ و آنرا به عنوان بعد چهارم در کنار ابعاد سه گانه جوهر جسمانی (طول، عرض، ارتفاع) عرضه می داشت^۸. ملاصدرا در تبیین حرکت جوهری خود زمان را مقدار تجدد و تبدل معرفی می نمود^۹.

از آنجایی که فعالیت های انسانی در طول زمان و در مکان معنا می یابند، این فعالیت ها در طول زمان خاطراتی را در ذهن انسان ایجاد می کند، که ممکن است فردی یا جمعی باشند. با رجوع چندین باره به آنها، خاطره های جمعی که از عوامل هویت بخش انسان می باشند، نقش می بندد.

هویت بیش از آن که معطوف به گذشته است با توقعات افراد مرتبط است، زمان حال را در بر می گیرد و تقاضا برای بهره مندی از آن، ریشه در نیازهای فردی و جمعی شهروندان در محیط شهر دارد^{۱۰}.

اصولاً ارزش یک معماری در هر دوره به این است که آن بنا بتواند پاسخ گوی واقعی نیازهای زمان خود باشد.

معماری و زندگی آیین تمام نمای یکدیگرند. اگر امروز صحبت از تقلید در معماری می کنیم به یقین در زندگی ما وجود دارد و اگر از سرگشتگی در معماری شکوه می کنیم مگر در زندگی دچار آن نیستیم؟ معماری دروغ نمی گوید و انعکاس آرزوهای جامعه و به خصوص صاحبان خود است. این هویتی است که به وجود آمده؛ خواه زشت باشد خواه زیبا، خواه خوب باشد^{۱۱}.

هویت در معنای عرفانی آن ما را به ذات مقدس خداوند و فیض رسانی دم به دم آن میرساند. معنایی که در آن هویت انسان و فعالیت های او، مولود آن فیضان الهی و هویت ساریه تلقی میشود.

در بررسی معانی و مفاهیم هویت در فرهنگ های لغت چه فارسی و چه غیرفارسی مفهوم هویت عمدتاً به دو معناست: در معنای اول، هویت یک شیء ذات و جوهر آن است. کاربرد این معنا از هویت بیشتر به عرفان باز می گردد یعنی جایی که ذات و گوهر تمام اشیا، امور و افعال به خداوند باز می گردد و در واقع خداوند به عنوان ذات و گوهر تمام اشیا در نظر گرفته می شود. در گروه دوم هویت به معنای ویژگی هایی که موجب تمایز یک شیء از اشیای دیگر می گردد تلقی می شود. در علوم طبیعی بیشتر از این معنا استفاده می شود. در این تعریف مفهوم هویت با کلماتی نظیر خودیت، اصالت و شخصیت هم گروه می گردد.

انسان به عنوان مولف و درک کننده معماری به پشتوانه ی باورهای جدید انسان مدارانه و با اتکا به خلاقیت، ابداع، نوآوری و ذوق، نگاه متفاوتی به ماسوای خود را روی میز کار هنرمندان قرار داد، و از تقیدهای فکری پیشین رها کرد. دنبال آن، سبک و زبا نهایی مختلف هنری و معماری، خود را از اصول و ویژگی های کیفی پیشین دور نمود. لذا رنگارنگی و زود گذری سبک ها و نهضت ها، مشخصه ی بارز و حاکم بر عرصه ی معماری جدید گردید. امروزه هویت، بخشی مستقل دانسته می شود که از بیرون و توسط انسان به عنوان مولف مختار و آزاد معماری، به آن پرداخته می شود.

مشکلی که معماران دلسوز را بر آن داشته که بگویند: از آن نگاه که معمار و معماری مکلف شدند تا در پس ساختن، چیزی را نیز بیان کنند، معماری دیگر، معماری نبود و تبدیل شد به معماری، معماری های تک، معماری پست مدرن، معماری دیکانستراکشن و... لذا باید در جایگاه دیگری به دنبال مفهوم هویت در معماری امروز گشت. زیرا سبکی که در گذشته بر پایه ی اصولی مستحکم شکل می گرفت و طبق تعریف می توانست مبنای تشخیص مُدرک گردد، از معنای قدیمی خود فاصله گرفته است.

سبک های شناخته شده ای که در معماری وجود دارند، هر یک، بر اساس مبانی نظری خاصی شکل گرفته و اصول فرمی آن ها، این شالوده های نظری را در خود منعکس می کنند. به عنوان مثال سبک معماری "فولدینگ"، عمودگرایی، طبقه بندی و سلسله مراتب را مردود می داند و به جای آن افقی گرایی را مطرح می کند؛ و یا در سبک "گوتیک" که سبکی مذهبی و همواره در خدمت کلیسا بوده است، ساختمان هایی که بنا می شدند، مشخص به بلندی و سبکی کم سابقه و باریکی جزرها و نازکی دیوارها بودند. به عنوان مثالی دیگر، در سبک "معماری مدرن"، استفاده از تکنولوژی روز، مصالح مدرن، پیش ساختگی، عملکرد گرایی و دوری از سبکهای پر زرق و برق تاریخی مورد توجه قرار گرفت با این تفاسیر سبک اسم، خود را نه در قید و بند فرمی خاص، و نه محدود به فرهنگ یا مخاطبی ویژه می کند. این سبک، با گرایشی مفهومی، می تواند شامل طرح هایی با گرایشات ایرانی-اسلامی و یا آثاری در قالب فرم های مدرن و یا کلاسیک باشد.

آنچه در تصور معمار پرورش می یابد و به بیان از راه توسل به شکل آن می پردازد، فرهنگ معماری است، که این گرایش به چگونگی ساختن آن نیز توجه دارد.

با صحیح شمردن این فرض که معماری ظرف زندگی است و زندگی یعنی شیوه زیست و ارتباط انسا نها که از فرهنگ جامعه برخاسته است. در نتیجه معماری دارای هویتی است که: اولاً بیانگر ارزشهای حاکم بر جامعه است، دوماً مبین ارزشهایی است که جامعه به آنها تمایل دارد. سوماً بیانگر عوامل هویت فرهنگی پدیدآورنده آن است¹² و این که آنچه اثری را در نگاه عموم با- یا بی- هویت جلوه می دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویت جمعی و پایدار است؛¹³ با توجه به اینکه هویت فرهنگی در معماری یکی از عوامل مهم در چگونگی شکل گیری فضاهای معماری به شمار می آید و به فراموشی سپرده شده است، این گرایش سعی بر آن دارد تا بتواند توجه ویژه ای به این عامل داشته باشد. در ادامه به توضیحات مختصری در فرهنگ و تاثیر آن در معماری خواهیم پرداخت.

فرهنگ:

تاکنون تعاریف زیادی راجع به فرهنگ ارائه شده است و بحث در باره ی این موضوع هنوز ادامه دارد. آنچه در غالب تعاریف مشترک می باشد این است که فرهنگ شیوه ی زندگی کردن یک جمع می باشد. شیوه ای که بر اساس دستاوردهای مادی

و معموی جمع شکل یافته است. دستاوردهای که در طول تاریخ به دست آمده هنوز دارای اعتبار بوده و در زندگی فرد و جمع جاری است.

معماری به عنوان یک پدیده اجتماعی از فرهنگ نشأت گرفته و بر آن تاثیر میگذارد و آینه ای است از اندیشه های انسان در رابطه با فضا، زیبایی شناسی، و فرهنگ. جهت گیری فرهنگها، همواره بر مبنای فطرت بشری و اندیشه او انجام میشود و همین مسیر در شکل دهی به فضای زیست و پیدایش معماری موثر است. چرا که این فضا به عنوان یک نیاز بشری مطرح است و اینگونه نیازها همواره در مسیر عقل و فطرت الهی پاسخ داده میشوند. بنابراین معماری را قبل از اینکه یک تخصص فنی بدانیم یا از نظر هنری به آن بنگریم، باید به جنبه فرهنگی آن توجه کنیم. فضای معماری بر مبنای مفاهیم فرهنگی در عرصه زمان به رشد و تعالی میرسد و در بعد مکان تجلی می یابد.

فرهنگ در یک تعریف کلی مجموعه ای از اعتقادات، باورها، سنت ها و الگوهای رفتاری یک جامعه است و هر جامعه ای دارای فرهنگ خاص خود است که شالوده معماری آن جامعه را پایه گذاری می کند. هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ معماری وظیفه عینیت بخشیدن یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود دارد.

حضور فرهنگ در فضاهای معماری و شهری از راه های گوناگون صورت می گیرد که برای نمونه می توان به حضور آن به شکل عناصر، نقش ها، تزئینات، ترکیب های حجمی یا ترکیب هایی خاص در پلان اشاره کرد. وظیفه فرهنگ را در تعریفی کلی می توان محصول تلاشهای متفاوت انسان در راه خلق و آفرینش دانست که از آزادی عمل و اراده او سرچشمه می گیرد.

مکان و فضا مهمترین عواملی هستند که این نیازهای هویتی انسان را تأمین می کنند. تجلی فرهنگ در فضا به وسیله نشانه هایی دارای معنایی خاص است. این نشانه ها گاه تک معنایی و گاه چند معنایی است و همچنین می تواند صریح و آشکار باشد یا نیمه آشکار. البته نشانه های آشکار قابل مشاهده و درک برای افراد غیر حرفه ای و عمومی می باشد مانند گنبد، منار و ایوان و... با این وجود نتیجه برداشت های آدمی از فضا از تجربه های ذهنی، شخصی، فرهنگی و اجتماعی او تاثیرپذیر است. سبک معماری هر دوره انعکاسی از فرهنگ و هنر آن محسوب می شود و با دگرگونی هایی که در سایر عرصه های زندگی و هنر به وقوع می پیوندد، متناسب است و هر سبک جدید معماری بر اصول، روشها و سنتهای سبک پیشین استوار است، به همین خاطر بین سبکهای گوناگون معماری رابطه ای استوار وجود دارد و مرزبندی بین آنها دشوار به نظر می رسد. خصوصیات فرهنگی هر عصری را می توان در معماری آن شناخت، زیرا وقتی معماری تحت تاثیر شرایط متفاوت یک دوره بوجود آید مثل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... به محض به وجود آمدن می تواند مستقل و زنده شناخته شود و صفاتی مخصوص را به خود بگیرد. وقتی اثرات بوجود آورنده یک اثر (معماری) از بین بروند آن معماری ممکن است به حیات خود ادامه دهد. حال اگر عوامل بوجود آورنده مطابق با خواستارهای فرهنگی باشد آن معماری ریشه ای عمیق می گیرد و اگر آن عوامل ناپایدار باشند معماری فاقد حیات می شود. حال اگر برای دوباره جان گرفتن فرهنگ و معماری عوامل اساسی آن شناخته شوند و جان بگیرند، به حیات خود ادامه خواهند داد. معماری فقط مجموعه ای از سبک ها و فرم ها نیست و حتی کاملاً با شرایط اجتماعی و اقتصادی خود را مشخص نمی کند، بلکه مجموعه ای از اینهاست.

فرهنگ از دو راه بر شکل گیری فضای معماری مؤثر است :

۱- از طریق ایجاد قوانین و آداب رفتاری که منجر به بروز ساماندهی عملکردی و سلسله مراتب فضایی می شود. ۲- از طریق ایجاد خاطره ها، باورها و نشانه ها در قالب کالبدی سمبلها، کهن الگوها و استعاره ها که باعث خلق معنا در فضای معماری می شود.

معماری آیینی تمام نمای فرهنگ در هر جامعه است و در تعاملی تنگاتنگ با ویژگی های ساختاری، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن جامعه قرار دارد. مردم هرسرزمینی، در ساخت اثر معماری در تلاشند تا با بهره گیری

از چیزهای مادی، از ارزش های خویش حفاظت و از هنجارهای خود تبعیت کنند. به بیان دیگر معماری عبارتست از هر گونه ساخت و سازی که محیط مادی رابراساس «قالب ذهنی» نظام بخشی، آگاهانه تغییر دهد.

تحولاتی که از آغاز قرن حاضر شروع شد، موجب گسیخته شدن رشته های استوار بین برخی از مظاهر و جلوه های زندگی با فرهنگ جامعه شد و در نتیجه روندی از مظاهر تمدن و فرهنگ غرب اقتباس شده بود و روز به روز گسترده تر می شد. معماری سنتی نیز از حرکت باز ایستاد و پیش از آنکه فرصت و امکان انطباق با تکنولوژی و شرایط جدید را بیابد مورد بی توجهی قرار گرفت. این گرایش در جهت رفع مشکلات کنونی و پاسخ به نیاز های جامعه معماری سعی بر آن دارد که در راستای گسترش توجه به هویت و مفهوم در آثار قدم بردارد و بدین ترتیب، آثار طراحی شده در معماری "اسم"، نه صرفا با ظاهری زیبا و شکلی فانتزی، بلکه در پیوند با بستر بنا، گرایشات فرهنگی و اجتماعی کاربر و همچنین همگام با جدید ترین فناوری ها به منظور خلق اثری پایدار و جاویدان است.

آنچه مسلم است این است که در توصیف مفهوم فضا انسان نقش محوری ایفا میکند، زیرا مکان در نتیجه فضا برای انسان خلق میشود. بنابراین فضا واسطه ای است که درک مکان را برای ما مقدور میکند. درک انسان ها از فضا ایستا نیست. این احساس پویاست، به این دلیل که به عمل مربوط می شود. آنچه که باعث می شود در پی پویایی جهان، آثاری که بشر خلق می کند جاودان بماند وحدتی است که در مفاهیم وجود دارند. این مفاهیم که برگرفته از "نام های خاص" است، در هر اثر به شکل متفاوتی بیان می شود و منجر به تنوع و خلاقیت در ایجاد فضا در گرایش معماری اسم خواهد بود.

همانطور که گفته شد، فضا در معماری نوعی درک است و کیفیت معماری در گرایش اسم درکی است که کاربران از اثر دریافت می کنند و می تواند مراتب مختلفی داشته باشد، که هم به شیوه عینی در ارتباط با شکل بنا و هم ذهنی در ارتباط با مفهومی که در پس آن وجود داشته دریافت می شود.

۳- نتیجه گیری:

مطالعات صورت گرفته نشان دهنده ی آن است که اصلاح وضعیت معماری می تواند تأثیر بسزایی در توسعه فرهنگ جامعه و شناخت هویت در معماری داشته باشد. تردیدی نیست که کشور ما چند هزار سال جریان معماری ممتد و بسیار نیرومندی را داشته است که روح آن در طول تاریخ ثابت بوده است. نمی توان نسبت به این میراث بزرگ بی اعتنا بود. از طرفی دیگر با توجه به مطالبی که ذکر شد، سعی بر آن شد تا معماری با توجه به نیازهای حال و در نظر گرفتن نیازهای آینده بتواند زمینه ای برای ظهور و بروز معماری با هویت را در اقصی نقاط فراهم آورد.

در این پژوهش زمان و مکان به بحث هویت راه یافتند. زیرا از نظر اندیشمندان فعالیت های انسانی از جمله معماری در طول زمان و در مکان معنا می یابد و باور، زمان و مکان از مولفه های موثر در هویت می باشند. فرهنگ هر جامعه، به نوعی، تعریف کننده هویت جامعه است و معماری هر جامعه، تجلی ای از هویت جامعه در عرصه ماده است. آنچه که در این مقاله مهم بشمار می رفت و مد نظر بود، نسبتی است که اثر معماری با واژه ی فرم گرایی و مفهوم گرایی برقرار می کند. این مقاله در پی چستی هویت به عنوان ویژگی های ذاتی، پویا و تدریجی معماری بود و در جهت رفع مشکلات کنونی و پاسخ به نیاز های جامعه معماری سعی بر آن داشت که در راستای گسترش توجه به هویت و مفهوم، در آثار قدم بردارد.

جهت دانلود و مطالعه مقالات بیشتر به sharkadeh.ir مراجعه کنید

جهت ارسال مقالات خود برای انتشار در سایت با ایمیل sharkadeh@gmail.com تماس بگیرید